

سفرنامه پولاک: باغها

باغهای شهر تهران برحسب مساحتی مازور کرسیس اتریشی به یک صدوچهلوچهارهزار مترمربع (پاورقی) بالغ می شود. بزرگترین و انبوهترین باغها در قسمتهای جنوب غربی و شمال شرقی شهر قرار دارد. ایرانی که به کمبود گل و گیاه طبیعی و نقصان درخت در دشت عادت کرده است، از دیدن جوی آب روان بوجود می آید و در کنار آن زیر درخت بیدی، یا سپیداری، سایه ای پیدا می کند تا بتواند در آنجا لقمه نانیش را بخورد و بهنگام تابستان شبها اطراق کند. حتی اگر وی در زمین محصور، چند درخت جنگلی یا میوه و یا چند بوته گل سرخ ببیند، فوراً آن باغ را رشک بهشت و روح افزا می شمارد و برای گفتن بیتی و شعری مناسب می داند. اما از این حالت وجد و شور نباید نتیجه گرفت که دلش برای زیباییها و جلوه های طبیعت غنچ می زند، ابداً چنین نیست. یک آتشفشان، یک کوهستان مستور از برف، شکلهای خاصی که صخره ها دارند و دره ها، هیچ توجهش را به خود جلب نمی کند. در اینجا نیز از اصل بگذاریم و بگذریم تبعیت می کند؛ درخت و جوی تا آنجا بر او اثر خاص می گذارد که در آنجا خنکی، آسایش مطلوب و ارضای حوایج نفسانی خود را تامین کند. در قبال آنچه ما زیبایی طبیعت می نامیم، کاملاً بی اعتنا و خونسرد است.

هیچ خانه ای در تهران پیدا نمی شود که حیاط نداشته باشد و هیچ حیاطی پیدا نمی شود که در آن باغچه ای و درختان بوته ماندنی نباشد. مردم متمول و محتشم سواد این باغچه، باغ نسبتاً وسیعتری در داخل شهر دارند، البته باغچه بندی این باغ دوم کاملاً ساده است. چند خیابان در آن است که در دو طرف آن چنار، سپیدار، زبان گنجشک، نارون، توت، درخت ابریشم یا صنوبر و گاهی نیز کاج و ته (پاورقی) کاشته اند. بوته های گل عبارتند از انواع گل سرخ و سفید، یاسمن سفید و زرد، یاس کمبود، بداغ و غیره... ایرانی بیش از هر قدر و اندازه ای که تصور شود به گل دلبسته است، منتها نمی داند آن را چطور پرورش دهد؛ بدین دلیل در باغ ایرانی فقط انواع گلخانه ای پیدا می شود که در بیابان خودرو است. یا آنها که در ازمنه قدیم از اروپا بدانجا آورده شده جنبه بومی پیدا کرده اند. بیش از همه نرگس در چهار نوع مختلف؛ بنفشه، تاج خروس، لاله، گل سرنگون، لاله عباسی، سنبل، سوسن، میخک و زنبق ایرانی و فاورانسی قابل ذکر است. از گلخانه ای پائیزی فقط باید از گل داودی نام برد. ایرانی از ندانستن نام گلها و گیاهانی که نمی شناسد ناراحت نمی شود؛ اگر از وی نام گل زیبایی را که نمی شناسد بپرسید آن را شاه پسند می نامد و به گلخانه نازیبا گل مرز می گوید.

چمن سرسبز و شاداب و گیاهان پرپشت را، حتی با آبیاری مداوم هم، نمی توان عمل آورد؛ بدین دلیل یکی از زیبتهای اصلی باغهای اروپا در اینجا وجود ندارد، و به همین جهت می کوشند با کاشتن نوعی یونجه

کوتاه این نقیصه را رفع کنند. معمولاً یونجه با شقایق درهم مخلوط دیده می‌شود و به شقایق نیز بسپهو لاله می‌گویند. معمولاً مو را روی آلاچیق می‌کشند.

زمین تهران و اطراف آن برای روئیدن چنار بسیار مساعد است و چنار در اینجا بخصوص به زیبایی و با سرعت نمو می‌کند. اگر قلمه ای از آن را در زمین فرو کنند همچون بید به سرعت جوانه می‌زند چنار فوق العاده

کهنی در قریه تجریش از مهمترین نمونه های این درخت در جهان شمرده می‌شود. پیترو دلاواله تهران را شهر چنار می‌نامد. اما سلیقه جدید مردم بیشتر متوجه درختانی است که ارتفاع زیاد پیدا می‌کنند. درختی را که طبق قوانین طبیعی تکامل می‌خواهد شاخ و برگ خود را به صورت افقی بگستراند با بریدن تمام شاخه‌های آن، به استثنای یکی از کاکلهایش، وادار می‌کنند، از طول به رشد خود ادامه دهد؛ در نتیجه درختان به شکل دسته جاروب در می‌آیند و چون عضو تنفس از آنها گرفته شده بزحمت در مقابل یک خشکسالی نه چندان سخت، دوام می‌آورند و بیشتر از نوک درخت گرفته به طرف پائین خشک می‌شوند؛ در صورتی که درختی که طبق قوانین طبیعی رشد کرده باشد دارای مقاومت بسیار است. این عمل فقط در مورد چنارهایی که به خاطر چوب و الوار آنها را می‌کارند مجاز است، چه می‌خواهند که تنه ای راست در فضائی نسبتاً کم بدست بیاورند؛ اما اینکه چنین کاری مد روز شده است و حتی در باغهای سلطنتی نیز از چنین سلیقه معکوسی پیروی می‌کنند، امری قابل بخشش نیست.

هنگامی که یک ایرانی باغ تازه‌ای احداث می‌کند، در حالی که زودگذری مالکیت را در مدنظر دارد می‌کوشد هرچه زودتر درختان تناور سایه افکنی بپروراند و این کار با وجود تابستان گرم طولانی و نه ماه مدت رویش، کاری است که به سهولت عملی می‌گردد؛ در مدت پنج تا شش سال - که در نظر ما مدت رشد فوق العاده کوتاهی است - درختان یک باغ کاملاً رشد کرده و بالیده‌اند. البته آبیاری مدام آن را هم نباید فراموش کرد؛ اما باید دانست با این کار گیاه را بد عادت می‌کنند به صورتی که مقاومت طبیعی خود را از دست می‌دهد و به محض اینکه کمتر از مقدار معهود آب به آن برسد خشک می‌شود. حال چون از اولین عواقب کم شدن نفوذ یک خانواده آنست که آب را به روی املاک آنها می‌بندند، پس در نتیجه می‌بینیم که عمر این باغهای مصنوعی بیش از عمر مالکان آنها نمی‌پاید.

درخت نارون در اثر پیوند دارای رشد خاص جالب توجهی شده است. شاخها و برگهای آن چنان انبوه و درهم می‌شود که در سراسر روز پرتو آفتاب در آنها نفوذ نمی‌کند و این درخت در برابر شدیدترین بادهای همچون دیواری مقاومت، می‌ورزد. سرشاخه های این شکل مدوری بخود می‌گیرد و در حالی که چتر وسیعی را تشکیل داده بر تنه نسبتاً ضعیف خود به یک قارچ بزرگ شبیه می‌شود و سایه بسیار خوبی ایجاد

می‌کند؛ اما چون شاخ و برگ انبوه آن به دست باد و باران تمیز نمی‌شود مقدار زیادی گرد و خاک و کثافت در لابلای آن جای می‌گیرد.

ایرانی علاقه خاصی به بید دارد و ادعا می‌کند که سایه و تنفس در سایه آن بخصوص برای سلامت انسان مفید است. به همین دلیل زیر درخت بید لم می‌دهد و در باغ خود دور تا دور حوض، بید و بخصوص بید مجنون می‌کارد. در عقیده خرافی نسبت به خوابیدن زیر درخت گردو هم با اروپائیان هم‌اواز است. صنوبر در تهران بخصوص خوب رشد نمی‌کند؛ هرچه هم تلاش و کوشش می‌کنند به محض اینکه به ارتفاع معینی می‌رسد خشک می‌شود؛ اما در عوض در باغ فین نزدیک کاشان تا بخواهید رشد دارد. بجز گل سرخها و یاسمن‌های معمولی این گلها باغهای ایران را زینت می‌دهد: گل نسترن و گلزار فارسی؛ نسترن را به کمک چوب بست به چندین متر ارتفاع می‌برند؛ گل‌های متعددی بر شاخه‌های آویخته باز می‌شود، همچون تعدادی دسته گل؛ مطبوعترین رایحه‌ها را به مشام می‌رساند و تقریباً تمام تابستان را دوام می‌آورد. گلزار که بو ندارد از نظر دلربائی رنگ و انبوهی برگ‌ها، حتی بر کاملیا برتری دارد. قسمتی از باغ را انواع درختان میوه کاشته‌اند که در بهار با شکوفه‌های خود غوغا می‌کنند، اما در بقیه سال تصور بدی از باغهای دلاویز ایرانی به اروپائیا می‌دهند.

در وسط باغ معمولاً یک کلاه فرنگی قرار دارد که داخل و خارج آن را با خطوط تزئینی و صحنه‌های نشاط‌انگیز نبرد حیوانات و غیره تزئین کرده‌اند. صاحب باغ ساعات صبح و عصر خود را در آن می‌گذرانند، کارهایش را در آنجا انجام می‌دهد و از میهمانانش آنجا پذیرائی می‌کند.

در باغهای ملاکین ثروتمند نارنجستان به شکوه و جلال تمام آراسته شده است. مرکبات و سایر میوه‌های خاص سرزمینهای گرم و مرطوب در فضای آزاد عمل نمی‌آید، زیرا زمستان تهران سخت سرد می‌شود. پس ناچار باید قدری به آنها کمک کرد آن هم با تعبیه اتاقی چوبی در اطراف یا با کندن گود و کشیدن چادر به روی آنها و گذاردن مقداری آتش برای سر پا نگاهداشتن‌شان، از این گذشته درختهای مرکبات را در نیمه پست تر اتاق نشیمن زمستانی، که رو به قبله است می‌گذارند تا در اثر حرارتی که از بخاری بر آنها می‌تابد گرم شوند و شاداب بمانند. در نارنجستانهای سلطنتی برعکس درختان را در گودی زیادی قرار می‌دهند و بخاریها را چند متر بالاتر می‌گذارند، در نتیجه درختان را هر سال سرما می‌زند و باز ناگزیر با صرف مخارج بسیار درختان تازه به جای آنها می‌کارند و این خود منبع «مداخل» خوبی برای کارمندان دربار بشمار می‌رود.

در خارج شهر نیز باغهای وسیعی وجود دارد که اغلب به‌شاه تعلق دارد؛ زیرا با این باغها به خرج دولت احداث شده است مانند باغ لاله زار، نگارستان و قصر فجر؛ یا مردم به طور خصوصی آنها را ایجاد کرده‌اند

و برحسب سیر عادی حوادث توسط دولت مصادره و به تملک آن درآمده است. از این قبیل است باغهای نبی‌خان، نظامیه، داوودیه، ایلخانی. از باغهای خصوصی باغ خانباباخان سردار، تحت الحمایه سابق روسیه که از همه باغهای دیگر وسیعتر، سیرآبتر و شادابتر است شایان ذکر است.

باغ قصر قجر با کاخ زیبا و صفاهای سرسبز که بسیار خوب آبیاری شده و منظره زیبایی دارد یکی از زیباترین مراکز اطراف شهر تهران است؛ متأسفانه به قسمتی از آن که به پارک شبیه است درست رسیدگی نشده و چناره‌های تناور آن را در این اواخر برای تهیه الوار قطع کرده‌اند.

باغ واقع در کن در دو میلی تهران از نظر مجموعه درخت‌هایش، و به همین ترتیب باغ دولت‌آباد در نزدیکی ویرانه‌های ری ممتازند؛ اما این هر دو باغ را برای تهیه الوار درست و حسابی غارت کرده‌اند. از اینها گذشته شاه ناچار است که الوارهای باغ خودش را باز به قیمت گران بخرد.

باغ فین (کاشان) که به علت قتل صدراعظم مقتدر ایران میرزا تقی‌خان، که در آنجا رخ داد، شهرت دارد دارای درختان تناوری است و جویهایی که آب صاف نشاط بخشی در آنها جریان دارد در همه باغ کشیده شده است. هیچ سیاحی نباید فرصت دیدن حمامی را که امیر در آن بقتل رسیده و آن درختان صنوبر بلند بالا را از دست بدهد.

باغهای اصفهان که روزگاری شهرت داشت مانند چهل ستون، چهار باغ، هزار جریب، انگورستان و غیره یعنی باغهایی که در گذشته مورد تمجید همه مسافران و سیاحان بوده اکنون در حال زوال و نکث است و در آنها غله، توتون و سبزی می‌کارند.

به باغهای شیراز بهتر عنایت شده است، علت آنهم این است که دور از دسترس سربازان غارتگر و اعلی‌حضرت اقدس قرار گرفته. خرمی نارنجها، لیموها، نارنگیها، سدرها و غیره که با عطر شکوفه‌های جانفزای خود همه جا را خوشبو کرده است ما را به یاد سعدی و حافظ می‌اندازد که از این زیبایی‌ها برای سرودن اشعارشان الهام پذیرفته‌اند. مزار این دو شاعر که از باغهای سبز و خرمی احاطه شده است شیرازنان را به گلگشت می‌خواند.

۳۱- .هشتاد هزار کلافترب مربع 0 - م 144000

۳۲- در لغت‌نامه دهخدا ذیل لفظ «ته» چنین آمده است: نامی است که در اطراف شمیران به درخت داغداغان داده‌اند - م.

پولاک، ياکوب ادوارد، «سفرنامه پولاک : ايران و ايرانيان» ، کيکاوس مھنباري، شرکت سھامي انتشارات

خوارزمي ، تهران، 1361

نويسنده متن :ادواردپولاک